

## بهترین گزینه‌ها برای تیم ملی

## این سه نفر

مجید جلالی

مربی و کارشناس فوتبال

ما به مربیان خارجی مثل کارلوس کی‌روش و برانکو ایوانکوویچ زمان زیادی در فوتبالمان دادیم. کی‌روش حدود ۱۰ سال در فوتبال ملی بود و برانکو ۵ سال در تیم ملی و چهار سال در رده باشگاهی کار کرد. آنها در این مدت هر چه در توان داشتند را رو کردند و در نهایت نیز از فوتبال ما رفتند. حالا وقت آن رسیده است که به سمت مربیان وطنی متمایل شویم. اما مسأله این است که اگر می‌خواهیم این کار را بکنیم اول باید بررسی کنیم آیا واقعاً به مربی ایرانی باور داریم یا فقط به دلیل شرایطی مثل مشکلات انتقال پول و تحریم‌ها به این گزینه روی آورده‌ایم.

وقتی شما به مربی ایرانی واقعاً باور نداشته باشید حمایت از او نیز در کمترین حد ممکن خواهد بود. حتی اگر مربی بزرگی مثل کارلوس کی‌روش هم در تیم ملی حمایت نمی‌شد قطعاً با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شد اما او از حمایت تمام قد مسئولان برخوردار بود. باز هم تأکید می‌کنم که اگر به توانایی‌های مربیان خودمان ایمان آورده‌ایم می‌تواند اتفاقات خوبی رقم بخورد اما اگر بر اساس سختی و اجبار روزگار به چنین انتخابی دست می‌زنیم، بهتر است این کار را نکنیم.

در سال‌های اخیر مربیان خارجی با سطح‌های مختلف و اکثراً پایین به فوتبال ایران آمده‌اند و نتایج عملکرد آنها نیز مشخص بوده است. با توجه به چیزی که در این سال‌ها از مربیان خارجی بویژه در رده باشگاهی دیده‌ایم، من مطمئن هستم که از اعتماد به مربیان خوب وطنی ضرر نخواهیم کرد. پس بهتر است از همین مقطع رویکردی متفاوت به مربیان داخلی توانمند خود داشته باشیم و با این

رویکرد به حمایت از آنها و برنامه‌های آنها نیز بپردازیم. نکته مهم این است که ما برنامه‌مان را برای آینده مشخص کنیم. آیا می‌خواهیم در جام ملت‌ها تغییر نسل بدهیم و برای جام جهانی آینده آماده شویم یا اینکه به دنبال نتیجه‌گیری هستیم. ضمن اینکه مربی‌ای که می‌آوریم هم باید ببینیم در فلسفه کاری‌اش به تغییر نسل اعتقاد دارد یا نه. چون در لیگ خودمان هم می‌بینیم که بعضی از مربیان به استفاده از بازیکنان جوان اعتقاد دارند و بعضی دیگر به کسب نتیجه با جذب ستاره‌های بزرگ فکر می‌کنند. اگر می‌خواهیم آینده را بسازیم باید به سراغ مربی‌ای برویم که از میدان دادن به جوانان ابایی

نداشته باشد. از نظر من در شرایط فعلی از مربیان ایرانی کسانی که صلاحیت احراز پست سرمربیگری تیم ملی را دارند فقط سه نفر هستند: علی دایی، یحیی گل‌محمدی و امیر قلعه‌نویی. هر کدام از این سه نفر می‌توانند انتخاب خوبی با توجه به تمام فاکتورها برای بازسازی تیم ملی باشند.

فکر می‌کنم در فدراسیون فوتبال آدم‌های بادانش و فنی وجود دارند که بتوانند در مورد انتخاب سرمربی تیم ملی نظر بدهند و تصمیم بگیرند اما اتفاق خوبی خواهد بود اگر فدراسیون از افکار و تجارب افراد صاحب‌نظر خارج از مجموعه خود نیز مشورت بگیرد و در نهایت بهترین انتخاب را داشته باشد.

## به بهانه انتخاب مربی ایرانی

## دایره وحشت!



سعید زاهدیان

روزنامه‌نگار ورزشی

به عنوان سرمربی تیم ملی که اوایلایی بود. در چنین اتمسفری، انتخاب یک جوان ۳۳-۳۴ ساله که تازه فوتبال را کنار گذاشته و در زمره مربیان آشنا به علم روز، جوان و نوگرای فوتبال ایران قرار داشت، باعث تعریف و تمجید اهالی فوتبال و رسانه‌ها شد. جلال چراغپور با تیم ملی به بازی آسیایی رفت؛ تیم او که نمایش‌هایی معمولی داشت، در یک چهارم نهایی مقابل کویت -که همان سال از جام جهانی ۱۹۸۲ اسپانیا برگشته بود- در وقت‌های اضافه شکست خورد و حذف شد.

پس از این رویداد چراغپور را از تیم ملی کنار گذاشتند. این انتخاب غلط باعث شد تا چراغپور که می‌توانست به یکی از بهترین مربیان ایران تبدیل شود، برای همیشه بسوزد و هیچگاه به او اعتماد نشود. این مربی

سعید زاهدیان

روزنامه‌نگار ورزشی

اوایل دهه ۶۰، وقتی فدراسیون فوتبال نام جلال چراغپور را به عنوان سرمربی تیم ملی ایران معرفی کرد تا در بازی‌های آسیایی ۱۹۸۲ دهلی روی نیمکت ایران بنشیند، بسیاری از اهالی فوتبال و روزنامه‌نگاران در تمجید از این خلاقیت و انتخاب جالب چه‌ها گفتند و چه‌ها که نوشتند؛ آن روزها فضای کشور تحت تأثیر انقلاب و آغاز جنگ بود و انتخاب مربی خارجی برای تیم ملی ممکن نبود. از سوی دیگر، بسیاری از مربیان ایرانی هم به واسطه فعالیت‌های سیاسی پیش از انقلاب، از دایره گزینه‌های تیم ملی خارج بودند و کسی نمی‌توانست نامی از آنها بیآورد؛ انتخاب

که هنوز هم عاشقانه فوتبال را دنبال می‌کند، برای همیشه از دایره مربیان مهم فوتبال ایران کنار رفت. بسیاری از چهره‌های مهم فوتبال ایران، انتخاب بد موقع در زمان اشتباه را علت به حاشیه رفتن چراغپور می‌دانند و معتقدند که اگر او با تجربه بیشتری هدایت تیم ملی را برعهده می‌گرفت، می‌توانست در تمام این سال‌ها گزینه تیم‌های مهم و تیم ملی ایران باشد.

امروز شاید در وضعیت مشابهی قرار داریم؛ در حالی که امکان انتخاب مربی خارجی وجود ندارد و تعدادی از مربیان شناخته شده و با تجربه ایران هم از دایره انتخاب مربی تیم ملی خارج شده‌اند، صحبت از انتخاب یک مربی جوان بعد از کی‌روش است؛ مربیان جوانی که هنوز در فوتبال باشگاهی جواب پس نداده و کارنامه درخشانی ندارند.

رو آوردن به چنین مربیانی ذهن‌ها را می‌برد به سمت انتخاب جلال چراغپور یا مربیان جوان قبلی که در شرایط حساس به دایره انتخاب مربی تیم ملی وارد و نه تنها عاقبت به خیری ندیدند و برای مدتی خانه‌نشینی را تجربه کردند. از جلال چراغپور که بگذریم، امیر قلعه‌نویی پس از برانکو به همین سرنوشت دچار شد. او که تجربه کافی برای

هدایت تیم ملی نداشت، در نتیجه خرد جمعی هدایت تیم ملی را بعد از جام جهانی ۲۰۰۶ برعهده گرفت اما در جام ملت‌های ۲۰۰۷ مالزی ناکام ماند هیچگاه تلخی اتفاقات پس از شکست و مناظره تلویزیونی را فراموش نمی‌کند. بعد از او، علی دایی که تنها موفقیت او در عرصه مربیگری، قهرمانی لیگ با سایپا در قامت بازیکن -مربی بود و بدون کمترین تجربه سرمربی تیم ملی شد اما با شکست به عربستان از تیم ملی اخراج شد و تلخی آن اتفاق را همچنان حس می‌کند. حالا باید منتظر ماند و دید که از میان نسل جوان فعلی که تازه وارد مربیگری شده‌اند، چه کسی از این دایره ترسناک به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب می‌شود و به سرنوشت مربیان جوان قبلی دچار می‌شود یا نه؟!

## ۵ مشتری و یک بلیت!

گزینه‌های بالقوه سرمربیگری تیم ملی از فوتبال ایران با ارفاق به چند نام محدود می‌شود. نام‌هایی که هر کدام ویژگی‌های خاص خود و البته مشکلات گل درشتی دارند. بررسی این نام‌ها تصویر روشن‌تری از نیمکت تیم ملی ایران با یک مربی ایرانی ارائه می‌دهد. نیمکتی که به نظر از آن یکی از این ۵ نفر خواهد شد.

## علی دایی

۲۰۱۰ را فراموش کن

■ امیررضا همایون - علی دایی یکی از گزینه‌هایی است که همیشه نامش به‌عنوان گزینه هدایت تیم ملی بدون توجه به پیشینه گذشته‌اش مطرح می‌شود. این بار هم به نظر می‌رسد علی دایی یکی از گزینه‌های اصلی فدراسیون برای هدایت تیم ملی باشد. البته این گزینه احتمالی کارنامه‌های سیاه در تیم ملی داشته؛ ماجرابی که هرچه هم از آن هم بگذرد، کهنه نمی‌شود. ماجرا به ۱۲ سال گذشته و زمان حضور تیم ملی در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی بازمی‌گردد. جایی که تیم ملی در یک بازی حساس به مصاف عربستان رفت، مسابقه‌ای که با جنجال‌های



بسیار همراه بود و تیم به علت همین جنجال‌ها در آن مسابقه شکست خورد و به دستور یک مقام بلند پایه وقت از هدایت تیم ملی برکنار شد. از همین رو مردم خاطره خوشی از حضور علی دایی در تیم ملی ندارند. حالا باید دید اگر این اسطوره فوتبال ایران پس از گذشت ۱۲ سال از آن روزها بار دیگر به تیم ملی بازگردد می‌تواند خاطرات بد آن روزها را پاک کند یا اینکه اتفاقات دیگری رخ می‌دهد. فراموش نباید کرد که او مدت‌هاست با یک قانون نامرئی حوالی فوتبال آفتابی نمی‌شود.

## امیر قلعه‌نویی

دژاوو با ژنرال؟

■ ایمان شیرازی - باسابقه‌ترین و موفق‌ترین سرمربی داخلی موجود در لیگ امیر قلعه‌نویی سرمربی گل گهر است. پر افتخارترین سرمربی لیگ برتر سابقه دوران کوتاه و عجیبی را در تیم ملی ایران داشت. امیر سرمربی سابق استقلال‌ها بعد از برانکو و جام جهانی ۲۰۰۶ هدایت تیم ملی ایران را بر عهده گرفت. اولین جالش قلعه‌نویی حضور در مسابقات لیگ ملت‌های آسیا بود. او که بعد از موفقیت در استقلال به تیم ملی آمده بود امیدوار بود که بتواند آن نسل مستعد را به جام برساند. اما اتفاقات عجیب و غریب از سیستم ۳-۵-۲ و کنار گذاشتن برخی از بازیکنان از ترکیب اصلی و حتی شایعه کم‌کاری در تیم باعث شد که تیم ملی ایران با قلعه‌نویی فقط با یک باخت در ضربات پنالتی مقابل کره جنوبی از جام کنار برود و قلعه‌نویی تا مدتی در فوتبال ایران ناپدید شود. فرصت ندادن فدراسیون به امیر یکی از گلایه‌های همیشگی سرمربی گل گهری‌ها در دوران حرفه‌ای مربیگری‌اش است. حالا دقیقاً با شرایطی مثل ۲۰۰۶ سران فوتبال بی‌خیال گزینه‌های خارجی شده‌اند و می‌خواهند سرمربی ایرانی روی کار بیاورند. تجربه حضور در تیم ملی می‌تواند قلعه‌نویی را یک قدم نسبت به سایر رقبا به نیمکت تیم ملی نزدیک‌تر کند.



## یحیی گل‌محمدی

چرا مناسب نیست؟

■ رسول مجیدی - چند نکته درباره او وجود دارد که نشستش روی نیمکت تیم ملی را محال و غیرمفيد می‌کند. اولین اش حاشیه‌های اخیر اوست. هر چقدر هم که فدراسیون فوتبال بگوید سرمربی آینده تیم ملی را به‌صورت مستقل انتخاب می‌کند اما بعید است بتواند یحیی گل‌محمدی را با توجه به موضع‌گیری‌های اخیرش روی نیمکت تیم ملی بنشانند. البته از لحاظ فنی هم همیشه تردیدهایی درباره توانایی‌های گل‌محمدی وجود داشته. آیا می‌شود تأثیر تفکرات و فرهنگ برانکو را در آن روزهای درخشان ابتدایی گل‌محمدی در پرسپولیس نادیده گرفت؟ آیا تیم برانکو به فینال آسیا رسید یا گل‌محمدی؟ این سؤال است که البته یحیی از جواب دادن به آن فراری است. مسأله دیگری که درباره او وجود دارد پرسپولیسی بودنش است. با اینکه اکثر گزینه‌های مطرح شده برای تیم ملی سابقه بازی و مربیگری در سرخابی‌های پایتخت را دارند اما به نظر می‌رسد که فوتبال ملی ایران در این برهه که هواداران دوپاره شده‌اند نیاز به اتحاد دارد و شاید بهتر باشد مربیانی که اخیراً روی نیمکت استقلال و پرسپولیس قرار داشتند و برای رقیبان‌شان کرب خوانده‌اند بهتر است رنگ کمپ تیم‌های ملی را نپینند.



## جواد نکونام

بازگشت کاپیتان؟

■ آیسان سعیدی - او را باید گزینه اصلی سرمربیگری در تیم ملی دانست. مردی که پیش از جام جهانی مدت‌ها ناش لقلقه زبان فدراسیون‌نشین‌ها برای حضور در تیم ملی و همکاری با کارلوس کی‌روش بود اما این همکاری با وجود تمایل کی‌روش برای حضور کاپیتان سابق هرگز اجرایی نشد. اگرچه در آن مقطع مخالفت باشگاه فولاد بهانه اصلی بود اما نکونام شخصاً مایل به حضور در تیم ملی به عنوان دستیار نبود و در برخی از منابع نزدیک به او اعلام کرده بودند که نکونام تنها زمانی به دعوت فدراسیون پاسخ مثبت خواهد داد که پیشنهاد سرمربیگری داشته باشد. حالا به نظر می‌رسد وقت ارائه این پیشنهاد به نکونام رسیده و او به آرزوی خود خواهد رسید تا کاپیتان سابق بازگشتی رؤیایی به تیم ملی داشته باشد. مدل سرمربیگری نکونام یک کپی‌رنگ و رو‌رفته از کی‌روش است و این برای فوتبال ما که از کی‌روش عبور کرده، اصلاً هیجان‌انگیز نیست. به ویژه اینکه نکو در جنجال و حاشیه‌سازی و شلوغ‌کاری از استاد خود پیشی گرفته و اساساً اول به حاشیه اعتقاد دارد و در کنارش اندکی هم به فوتبال می‌پردازد؛ روشی که حتی این روزها در لیگ برتر هم کم‌رنگ شده است.



## فرهاد مجیدی

تو به اینها می‌بازی

■ سینا فتوت - اگر فدراسیون فوتبال به دنبال سرمربی جوان باشد فرهاد مجیدی می‌تواند گزینه اصلی تاج و شکر باشد. فرهاد که بعد از قهرمانی تاریخی با استقلال در فصل گذشته راهی امارات شد، رزومه‌ای از خود در ایران به جا گذاشت که می‌دانست دیر بازود دوباره به سراغ او خواهند آمد. مجیدی که سابقه کوتاه مدت هدایت تیم امید را نیز در کارنامه دارد شاید می‌باید نباشد که شانسش را در تیم ملی بزرگسالان نیز نسیب کند اما بدون شک اگر کسی به قواعد قمار آشنا باشد، می‌داند که پذیرفتن این سمت، یک قمار تمام عیار برای آینده او خواهد بود. نتیجه نگرفتن در تیم ملی آینده دوران حرفه‌ای هر سرمربی را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد و فرهاد نیز از این داستان مستثنی نخواهد بود. البته مجیدی همیشه نشان داده که اخلاق خاص خودش را دارد و بدون فکر و تضمین در مورد آینده مسئولیت‌کاری را بر عهده نمی‌گیرد اما می‌توان این آینده را پیش‌بینی کرد و با وضعیت عجیب و غریبی که تیم ملی دارد و فرصت چندانی تا شروع جام ملت‌های آسیا باقی نمانده، حضور سرمربی جوانی مثل فرهاد مجیدی یک قمار باخت - باخت است.

